

## چرا شیعیان نام فرزندان خود را «عبد العلی ، عبد الحسین و ...» می‌گذارند ؟

سؤال کننده : فائزه توتونچی

### توضیح سؤال :

طبق گفته کتابی ، امام علی (ع) چند همسر داشتند که فرزندان از آنها داشتند...طبق این کتاب اسم بعضی از فرزندان امام ابوبکر عثمان و...بود.و بیان کرده که چرا امام اسم فرزندان خود را از اسم دشمنان خود قرار داده؟  
و یا این که مگر شیعیان بنده ی خدا نیستند؟ پس چرا اسم فرزندان خود را عبدالحسین و... می گذارند؟  
(لطفا با ذکر منابع موثق باشد)

### پاسخ

پاسخ سوال اول شما در سایت تحت عنوان ذیل به تناسب مباحث مطرح شده در آن ذکر شده است :

در مورد نامگذاری مردمان به عبد الحسین و ... باید گفت که وهابیت به علت تفسیر اشتباه کلمه عبادت حکم به حرمت چنین نامگذاری کرده اند .

اما در واقع عبادت دو معنی دارد :

1- پرستش که جز برای خداوند صلاحیت ندارد .

اطاعت : که مقصود از عبد الحسین و عبد النبی و ... همین معنی است .

در قرآن کریم آمده است :

**وَأَتَكُمُ الْآيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِمِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ**

سوره نور آیه 32 .

**بی همسران خود را و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید .**

خداوند متعال در این آیه کلمه عبد را در مورد بندگان به کار برده است و علت آن این است که این بنده باید از مولایش اطاعت کند .

یعنی همان معنای دوم ؛ بنا بر این اگر کسی خود را عبد النبی یا عبد الحسین و... بنامد و مقصودش اطاعت از رسول گرامی اسلام و

اهل بیت او علیهم السلام باشد ، عمل وی مخالف دستورات دین نخواهد بود .

در این زمینه علمای اهل سنت نیز فتوا به حلیت داده اند . از آن جمله می توان به فتاوی زیر اشاره نمود :

1- وكذا عبد الكعبه أو الدار أو على أو المسن لإيهام التشريك ومثله عبد النبي على ما قاله الأكثرون والأوجه جوازه لا سيما عند إرادة النسبة له صلى الله عليه وسلم

نهاية المحتاج للشافعي الصغير ج 8 ص 148 ط دار الفكر بيروت 1404 .

در صورتی نامگذاری به عبدالکعبه یا عبد الدار یا عبد العلی یا عبدالمسن یا عبد النبی ، مراه است که موجب توهم شرک باشد؛ اما نظر درست آن است که این چنین نامگذاری جایز می باشد ، بویژه اگر هدف از این نامگذاری انتساب صامب نام به افراد یاد شده باشد.

2- قوله وكذا عبد النبي أي وكذا يمره التسمية بعبد النبي أي لإيهام التشريك أي أن النبي شريك الله في كونه له عبيد وما ذكر من التمريم هو معتمد ابن مجر

أما معتمد الرملي فالجواز وعبارته ومثله عبد النبي على ما قاله الأكثرون والأوجه جوازه لا سيما عند إرادة النسبة له صلى الله عليه وسلم

إعانة الطالبين للدمياطي ج 2 ص 337 ط دار الفكر بيروت.

وی که گفته است " عبد النبي " مقصود وی آن است که مراه است نامگذاری به عبد النبي زیرا توهم شرک دارد ؛ یعنی پیغمبر شریک خداست در اینکه مردم عبادت وی را می کنند . و مراه بودن این نامگذاری نظر ابن مجر است . اما نظر رملي جواز است

عبارت وی چنین است که :

ومانند اینهاست عبد النبي طبق نظر اکثر و نظر درست جواز است ، مخصوصا اگر مقصود نسبت دادن خود به رسول خدا باشد .

شبيه همین مطلب در کتاب حواشی الشروانی ج 9 ص 373 ط دار الفكر بيروت و حاشیة الجمل على شرح المنهج لسليمان الجمل ج 5 ص 266 ط دار الفكر بيروت و... نیز آمده است .

### **مشاهير اهل سنت که نامشان عبدالنبي و مانند آن بوده است:**

1- الشيخ عبد النبي المغربي المالكي الشيخ الإمام العلامة المجة القدوة الفهامة مفتي السادة المالكية بدمشق

شذرات الذهب ج 8/ص 83 ط دار ابن كثير بدمشق 1406 و ج 8/ص 126 ، الأسرار المرفوعة في الأخبار الموضوعة ج 1/ص 112 و تاريخ البصروي ج 1/ص 108 .

2- عبد المطلب بن ربيعة ابن المارث بن عبد المطلب بن هاشم الهاشمي له صمبء ... وقال شباب توفي عبد المطلب

فى دولة يزيد وقال الطبرانى توفي سنة إمدى وستين قلت له بدمشق دار كبيرة والله أعلم

سير أعلام النبلاء ج 3 ص 112

3- القاضى عبد النبى الأمد نجرى من رجال المائة الثانية عشرة صامب جامع العلوم الملقب بدستور العلماء

قواعد الفقه لمحمد عميم البركتى ج 1 ص 148 دار النشر الصدف كراشى 1407

4- الشيخ عبد النبى بن جماعة

شذرات الذهب ج 8 ص 181

5- عبد قيس بن لآى بن عصيم من الصمابة الذين شهدوا أمداء

الأصابة ج 4 ص 380

6- عبد النبى الفلىلى أروى ثبته عن الوهميه السكرى عن الشيخ سعيد الملبى عن شاكر العقاد عن التركمانى عن

العلاء المصطفى عنه وهو عبد النبى بن عبد القادر الأزهرى الفلىلى المنفى يروى عن الشيخ ممد ابن عبد الله

التمرتاشى الغزى وغيره

فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمسلسلات ج 2 ص 754

7- الإمام العارف صفى الدين أمد بن ممد بن يونس المدعو عبد النبى القشاشى المقدسى الأصل المدنى الدار

المتوفى بها سنة 1071 يروى عن والده وكان من أكابر عصره المتوفى سنة 1044

فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمسلسلات ج 2 ص 970 و تاج العروس ج 17 ص 336

8- العلامة المفنن الصالح الشيخ عبد النبى الصدر شيدا

النور السافر ج 1 ص 339

9- عبد النبى بن ممد بن عبد النبى المغربى ثم الدمشقى المالكى

الضوء اللامع ج 5 ص 90

10- فخر الزمان عبد النبى ابن خلف القزوينى

إيضاح المكنون فى الذيل على كشف الظنون ج 3 ص 5

11- وممد عبد الرسول الهندى

فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمسلسلات ج 2 ص 84

12- عبد المطلب بن الفضل بن عبد المطلب الهاشمي الملبى

المعين فى طبقات المحدثين ج 1 ص 189

13- عبد المطلب بن عبد القاهر بن ممد الماكسينى زين العابدين الشافعى

الدرر الكامنة فى أعيان المئة الثامنة ج 3 ص 218

14- عبد قيس النكرى البصرى من الرواة من ابن سيرين

التاريخ الكبير ج 2 ص 255

15- ممد ابن عبد الرسول المدنى عالم مكة

البدر الطالع ج 1 ص 289

این تنها جزیی از مشاهیر اهل سنت در گذشته است که در نام ایشان کلمه عبد به عنوان بنده غیر خدا به کار رفته است .

در عصر حاضر نیز در عده زیادی از ایشان چنین نامهایی را برای خود بر می گزینند :

از آن جمله می توان به **عبد الرسول سیاف** از وهابیان معاصر افغانستان و رهبر حزب حرکت انقلاب اسلامی افغانستان و عضو طالبان

نام برد .

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)